



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

دامل کلبه نوابین منصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - اخبارات - آگهی های رسمی و قانونی

سال دهم

۱۳۳۳ آبان ماه ۱۳۳۳

شماره ۲۸۳۶

شماره مسلسل ۵۷

دوره هجدهم مجلس شورای ملی

## مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۵۷

صورت مشروح و مذاکرات مجلس روز سه شنبه

بیست و هفتم مهر ماه ۱۳۳۳

فهرست مطالب :

۱. قرائت صورت غائبین جلسه قبل

۲. بقیه مذاکره در گزارش کمیسیون غاس راجع برقرارداد فروش نفت

۳. تعیین موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس دو ساعت و یک ربع پیش از ظهر برپاست آقای

رضا حکمت تشکیل گردید

(۱- قرائت صورت غائبین

جلسه قبل)

رئیس - صورت غائبین جلسه قبل

قراوت میشود.

(شرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه آقایان ، دکتر سید

امامی ، حشمتی ، اکبر ، احمد قالی ،

جلیلود

غائبین بی اجازه آقایان ، بیات ماگور ،

کدیور ، دکتر جزایری

دیر آمدگان و زود رفتگان با اجازه -

آقایان ، دکتر یزینیا ، مکررم ، اریه ،

ایرانی ، صامی ، پیراسته

رئیس - نسبت بصورت مجلس نظری

نیست؟ (صدای ارمانندگان - توزیع نشده) صحیح

است بواسطه تعطیل دپوز که ادرعین بوده

است نرسیده است سه نفر از آقایان قاضای

نطق قبل از دستور کرده اند (جمع از

نمایندگان - دستور ، دستور ) پس حق

کسانیکه ثبت نام کرده اند محفوظ میماند

برای جلسه بعد .

(۳- بقیه مذاکره در

گزارش کمیسیون خاص

راجع بقرارداد

فروش نفت)

رئیس - آقای کاشانی فرماید

مصطفی کاشانی - قبل از اینکه بیان

عراضم شروع کنم از اظهار لطف و عنایت آقایان

نمایندگان محترم تشکر میکنم البته شنبین

مطالبی که ساعتها وقت لازم دارد تا نامزد امی

غشته کنند است ولی در این موقع خطیر چاره ای

جز ادای وظیفه نیست ، آقایان نمایندگان محترم

ا کثرت هم باید بر داری و موصوله نشان دهند

مانطور که تا کنون مراعات فرموده اند ، این نوع

جسبات و این قبیل نطقهای مفصل در طول حیات

سیاسی یک عمت بندرت پیش میآید و

البته طرز برخورد بشکلات و تحمل  
نمایندگان میزان ملافتمندی بسر نوشت ملت  
ایران را نشان خواهد داد . در جلسه گذشته تا  
اینجا عرض کرده بودم که خواستیم در آمد  
حقیقی خود را صرف درمان دردهای اجتماعی  
شود کنیم و آن بولی را که برای دیگران کاخ  
ظلم و ستم فراهم ساخته برای کشاورزان و دهقانان  
و کارگران و بیگانان ایرانی عدالت اجتماعی

بوجود آورد . یعنی منشاء مساوات اخلاق ، بی  
ایمانی ، رشوه خواری ضعف و زبونی حتی  
جاسوسی و خیانت افراد مملکت را فقر تشخیس  
دادیم و علت آن را دزدک کردیم . همیدم ما بالذات  
فقیر نیستیم بلکه غارتگر یکجمله را در دفاع  
ملت ایران دیدیم که مان و مسکنت و خون  
مردم را میخورد و نمیگذارد ما بان بگیریم  
و خود را برای مبارزه با دشمن جبار و  
سفاک دین و وطن خود آماده سازیم . حق  
ادامه حیات . حق بهتر زندگی کردن و هلاک

به بقای ملت و فرهنگ ایران لهن ملت را  
برانگیخت که چنگال بیگانه را از حلقوم خود  
کنار بزند . حالاهم بر سر این عقیده باید ابریه  
و بقیه داریم حتی یک فرد ایرانی وقتی  
تشخیص زهد استقلال سیاسی و اقتصادی ما

با قبول قراردادی مخدوش میشود و بطور  
خلاصه منظور غائی ملت ایران از ملی  
ساختن صنایع نفت خود با چنین قراردادی  
تأمین نگیرد . بهرچوجه زیر بار نه تنها این  
قرارداد بلکه هیچگونه قراردادی که ناقص  
حاکمیتی و استقلال سیاسی ملت ایران  
باشد نخواهد رفت . برای اینکه فردا  
کسانی نگویند که ما نمیدانستیم عمل خلاف  
استقلال سیاسی مملکت انجام میدیم . و این  
وسيله بهانه برای شانه خالی کردن از زیر  
بار مسئولیت پیدا کنند ضرورت دارد در  
اطراف قرارداد بحث منطقی بشود . نظر آقای  
قرارداد که پول سرشار برای تبلیغ دارند  
در انگلستان و آمریکا و فرانسه و هر جا که

بخواهند حتی در خاک و خانه ما تبلیغ و  
استدلال میکنند . دولت هم که مجال کافی برای  
اثبات صحت اقدام خود چه در ازاد بود چه در  
روزنامه ها دارد و خلاصه ابر و باد و خورشید و  
فلك برای امضا و اجرای (قرارداد در کارند)  
بنابر این اگر آقایان نمایندگان محترم اجازه  
بدهند مطالب روشن شود و عقاید کسانی که  
قرارداد را بصورت حاضر - خلاف مصلحت  
و پرستیز مملکت میدانند بیان گردد و کسی  
بآن دسته از مردم بی پشت و پناه فرموده اند  
که بتوانند به تبلیغات دولت های انگلیس و  
امریکا و فرانسه و هلند و کیانیهای صاحب  
نفوذ که بقدرت لیره و دلار تکیه نموده و تمام  
وسائل تبلیغاتی ممکن را برای موجه نشان  
دادن عملیات خود در دست دارند جواب  
بدهند و این محققان مجلس شورای ملی  
است که منکر دفاع از حقوق ملت ایران  
باشد همانطور که در شرایط دشوار گذشته  
حقاً رعایت این نکته اساسی شده است .

بنده نه از روی تمصب بلکه باتوجه به سابق  
تاریخی نفوذ کیانیهای صاحب منفعت در  
خاک کشورها از جمله وطن عزیز خودمان  
ایران با دقت در وضع سیاسی و اقتصادی  
کشور های نفت خیز خاور میانه که منابع نفتی  
آنها تحت تسلط کیانیهای بیگانه است با  
مطالعه و دقت در مواد قرارداد حاضر و با درک  
روح بعثت مقدس ملی ایران و علل قیام  
درخشان ملت ایران برای ملی ساختن صنایع  
نفت با اساس قرارداد حاضر بهتر بینی که  
تنظیم امضا شده موافق نیستیم و عدم  
موافقت خود را با منطبق و استدلال بیان میکنم  
و از بیان هر نوع جمله و عبارتی که حتی تنوع  
هتک حرمت و اهانتی شود احتراز میکنم  
چون هیچگاه در این مقام نبوده و نیستیم و  
میدانم که وظیفه بیان کننده حق چند دشوار  
است بخصوص که صلاح اجتنی در روشن

مجلس مذاکرات مشروح پنجاه و هفتمین جلسه از دور . هجدهم تانو نگذاری

اداره تلفن رسمی و تحریر صورت مجلس

نظرس مطالب باشد و همین دلیل مجال پنهان چونی نباید داد و از همه گسائی که باقی بماند اینجانبی به مخالفان دستم عا در هر جوابی داشته پس از ختم مراضی بنده فریادتمار میگردم

مردود معالی که در مقدمه مراضی من یک منارت قرارداد با اساس خواسته های ملت ایران است راست است که ملت ایران در شرائط کنونی نمیتواند همه آمال و آرزوهای خود را چاه مهل بپوشاند و این نکته بیایه نطق جناب آقای دکتر امینی وزیر دارائی را بر میسراندند دلیل و ضامنات اجرائی آن چیست؟ تشکیل داده بود ولی باید اساس امان و خواسته های ملت ایران ملحوظ گردد و بهیچوجه اجازه عدم امتنا و توجه با اساس خواسته های ملت ایران نباید داد و معالی است که در درین مقدمه مرض میکنم آنهایی است که عدم انطباق قرارداد را با اساس خواسته های ملت ایران ثابت مینمایند. اساس خواسته ملت ایران از مبارزات سنوات اخیر برای ملی ساختن صنایع نفت در سراسر کشور جز حاکمیت ملی است استقلال اقتصادی و جلوگیری از فقر و امکان رونقهای اجتماعی بر پایه معققات مذهبی و فقهی های ملی از طریق تأمین عایدات واقعی نفوذ است و وهزاران مبارزه برای کسب منافع بیشتر در درجه اول و دوم حاکمیت ملی و

استقلال اقتصادی مملکت ایران طی مبارزات و تقیام ملت ایران مورد توجه قرار داشت و قرارداد حاضر از این جهت با قرارداد ۱۹۳۲ فرقی ندارد بلکه فقط تسلط سیاسی و اقتصادی اجنبی صنایع و تأسیسات نفتی شش میوه شده است (دکترینا چهار میوه شش میوه بودیم دومیش چیست) (نورالدین امامی - جبه میهن نیست) من می گویم رفتن کیبانه های خارجی طبق قراردادی مسلط بر منابع و تأسیسات نفتی باشند و صنعت نفت را تصدی کند و از این طریق منافی در سرزمین ایران داشته باشند لازمه حفظ و جلب منفعت بیشتر مداخله در دشواری ملت ما است - حالا باید فهمید دولت طرفداران قرارداد اصل این را قبول ندارند کیبانی فقط سابق طبق چه اصلی مداخله میگرد و کیبانی شیلات چگونگی و بهیچ منطقی اصلاح نفوذ سیاسی در شمال می نمود - استقلال بنده ایست که وقتی سکینایی می کیبانه های منظمی در کشوری داشته نباشی خواهند مردم با سواد بشوند چون بهتر می فهمند که حق آنرا را اجنبی میخورد نمیخواهند آن ملت مخصوصی پیدا کنند چون امتیاج نفتی به آن کیبانی خارج می شود می خواهند آن ملت بازار تجارت نفت پیدا کند چون رشت منافع آنها یاره خواهد شد کرش میکنند حکومتهای ملایم و

مطابق طبع خوددوری کار بیاورد تا آب از آب تکان نخورد این خواست ما که از طرف کیبانه های دولت ایران دارن بلکه روزنامه های انگلیسی و آمریکائی و فرانسوی طرف دولتهای وابسته بکیبانه اجرامی شود خلاف قوانین است و اگر کریم ویند این کیبانه های کارها را نیکند - تجربه می سالا با حکم میکند که آنها این اصال را انجام میدهند و اگر آنها ادعا دارند که خلاف ناموس طبیعت یعنی در جهت خلاف منافع خود و برای رعایت خاطر ما قدم بر میدارند دلیل و ضامنات اجرائی آن چیست؟ ما تابعی از تجارت و اقتصاد انگلیسی بودیم در این قرارداد هم باز سر کار ملت ایران با بانک انگلیس است سیاست لیره حاکم با اقتصادیات و تجارت کشور است. پاشناری انگلیس ها روی این نکته برای همین است که کشور ایران از زیر سیطره نفوذ اقتصادی بریتانیا خارج نشود - این قرارداد را دولت برای مدت چهل سال امضاء میکند ولی وقتنامه با بانک انگلیس یکساله است -

انگلیستان با همه قدرتش احتمال می دهد که شاید روزی نتوانست و اینها را لیره ما در تبدیل بدلار کند و همین دلیل قرارداد و قبول اول المده برای تبدیل لیره بدلار امضاء نمیکند ولی دولت ایران سر نوشت اقتصاد مملکت را به دست تقدیر میسازد در چنین موردی پیش بینی کرده که تکلیفش را سکنسرسیوم بعداً معین کند چرا قراردادی امضاء شود که اساس پرداخت آن به لیره یعنی ارزی که آنها می خواهند باشد مورد منجر گدشته شود ولی تبدیل بازرهای مورد احتیاج مملکت ما ملحق به مذاکرات آینده باشد - من میگویم تسلط و تصدی خارجیه در منابع و تأسیسات نفتی سر نوشت کار گران ایرانی را بدست آنها می سیارد چون آنها سعی میکنند نفت ارزان بپزند پس در تعیین میزان مزد کار گران ذیملقه هستند در آذربایجان نشن خوزستان برای بالا بردن سطح مزد کار گران ذی نفع خواهند بود و این مخالف با اساس خواسته ملت ایرانست یعنی ما میخواهیم سر نوشت کار گران و صاحبان اصلی منابع نفتی ملحق دست منفعت طلبان اجنبی شود - اینها اسفندلان بنده ایست که وقتی سکینایی می کیبانه های منظمی در کشوری داشته نباشی خواهند مردم با سواد بشوند چون بهتر می فهمند که حق آنرا را اجنبی میخورد نمیخواهند آن ملت مخصوصی پیدا کنند و اساس توقعات ملت ایران را از ملی ساختن صنایع نفت ملت ایران دربر دارد و بهیچوجه مغایرتی با این حق ملت ایران از ملی کردن صنایع نفت میخواستند ندارد نه تنها آنها

(احتش) همین جبه هم همین اشتباه است سوط اذعوت گردید دکتر مصدق فوید که نی شود خان مردم را بوسیله ابادی دولت سنک باران کرد و گفت ملت می کند ولی این را وقتی فهمید که خانه خودش را خراب کردند -

حالا هم اگر دولت بگوید این خواست مردم است صحیح نیست باید خود مردم بگویند این خواست ما است اگر دولت بگوید این قرارداد حاکمیت ملی و استقلال اقتصادی ملت ایران را معدوم نمیکند فایده ندارد باید ملت ایران چنین تصدیقی بکند و تصدیق هم لازم است امکان اظهار بیان و عقیده است و این امکان متأسفانه وجود ندارد -

اما ملت بخلاف آنچه پیروان مکتب مارکس گفته و شایع کرده اند افراد بزرگ چطور بیشتر تسلط و اختیار داشته باشند کیبانه های بزرگ که متکی به دولتهای بزرگ هستند چه بهتر می توانند کارشان را پیش ببرند - هیچ وقت قدرتهای مقتنه و دستگام حاکم که ملت روزی وجود بیاید نتوانند جلو تعمدات آنها را بگیرد ولی در عین حال خواستند شوشی و ظاهر سازی کنند و فقط با عیارت ملی شن صنایع نفت را محترم بشمارند و از همه مهتر هنوز نمیخواهند باور کنند که هیچکس بهتر از خود ملت ایران نمی تواند و صلاحیت ندارد که تشخیص بدهد این قرارداد با حاکمیت ملی و استقلال اقتصادی اش مغایرت است یا نه؟

اما این نکته پیش می آید که ملت کیست؟ و کله ملت به چه واحدی اطلاق می شود زیرا اگر قرار باشد چند نفر قراردادی را امضاء کنند و بگویند ما ملتیم و بعد هم آن را قبول دارد خود ملت میزند و بونوع جایش را می دهد. یکی از نمونه های این طرز تفکر که صاحبان آن طرز تفکر با تلقی اشتباه خود می بردند داستان فرزانم دکتر مصدق در اواخر حکومتش بود - دکتر مصدق در آن روز ها که ملت را آنچنانچه بود - شناخت مورد احترام بود (میرا شرافی - آن روز هم مورد احترام نبود آقای کاشاری مصدق همدان باخته بازی کشتن کاشی هرچوقت مورد اجترام نبود) و روزی که ملت شوشی کرد یعنی آنچه خودش و چند نفر ملاترویش می خواستند خواست بنام مقدمه ملت قلمداد میکرد بازمز زمین خورد - دکتر مصدق خودش میخواست مشاورین باشد تا هر چه میخواهد بکند مشاورینش هم میخواستند مجلس ۱۷ نباشد و منحل شود تا برنامهای مورد نظر را اجرا کنند آمدند بازی فرزانم را راه انداختند و گفتند (ملت می خواهد مجلس ۱۷ منحل شود) این دروغ بود ولی آن آرزوی دولت بود که خواست ملت - این دولت میخواست نظر شخصی خود را بپای خواست ملت بجا نهد

بزرگ اسلام غدار است و موجود بود نه امروز فرزندان ملان مسلمانان کتبه و شیروان وغیره از خدای خیرند و بیروم کس و لنین شده اند این گناه را هشت ساله که آرزو ایران کرد و مورد سرزنش کتله حاضر ملت ایران است - این شاهد تاریخی را برای این آوردند که توجه شود رفتار امروز ما در سر نوشت آینده آنکند تا چه مدت دارد. اساساً به عقیده ایجاب در زمانی که بر سر تیروی اتم پیش می رود و در ده سال ازبند از جنگ اتم تحولاتی شگرف در دنیا روی داد که کشف بپ اتمی و هیدروژنی و استفاده از نیروی اتم یکی از آن تحولات است و خیلی از معاصم های دیگر در حال حاضر ارزش سابق خود را از دست داده است - در این صورت ما بچه حق میخواهیم تکلیف مردمان چهل سال بعد را تعیین کنیم چرا ؟ مگر ما تجربه نداریم مگر ما نمیتوانیم حاضر آرزوهای تسلی ۱۹۳۲ را در ذهنی داریم برای زندگی و حیات امروز ملت ایران نیست ؟

جناب آقای دکتر امینی وزیر دارائی طی مصاحبه خود با خبرنگاران کدر صفحه ۲ روزنامه کیهان مورخ ۱۶ مرداد ۳۳ درج شد است (عبدالرحمن فرامرزی - خواهش میکنم که بهائش را بلندتر بگوئید) سر بجا گفتند (در آمد ایران در سال اول بطور متوسط بسالی ۵۰ میلیون لیره می رسد و این درآمد بر اساس استخراج ۱۵ میلیون تن در سال اول معادل درآمدی است که اگر قرارداد الحاقی اجرا میشد از استخراجه ۳۵ میلیون تن نصیب ایران می گردید) - سر نوشت بزرگه قرارداد الحاقی کسی گشتائیان دور میرویم - مادر اصال و رفتار و قیام و نمود و تصویب هائی که میبکنیم مشولیت حفظ منافع ملت ایرانیان را باین مفهوم صحیح بهیچ دردم زبر خود همه این عدم توجه به پیشانی را بخوبی در کردیم آیا آن مردمی که در موقع عقد همدانه های کشتن او تر که آن آن روز ها که ملت را آنچنانچه بود - شناخت مورد احترام بود (میرا شرافی - آن روز هم مورد احترام نبود آقای کاشاری مصدق همدان باخته بازی کشتن کاشی هرچوقت مورد اجترام نبود) و روزی که ملت شوشی کرد یعنی آنچه خودش و چند نفر ملاترویش می خواستند خواست بنام مقدمه ملت قلمداد میکرد بازمز زمین خورد - دکتر مصدق خودش میخواست مشاورین باشد تا هر چه میخواهد بکند مشاورینش هم میخواستند مجلس ۱۷ نباشد و منحل شود تا برنامهای مورد نظر را اجرا کنند آمدند بازی فرزانم را راه انداختند و گفتند (ملت می خواهد مجلس ۱۷ منحل شود) این دروغ بود ولی آن آرزوی دولت بود که خواست ملت - این دولت میخواست نظر شخصی خود را بپای خواست ملت بجا نهد

ملت فقط با ما که فلاسح و حاضر هستیم نمی شود باید ما چیزی را تصویب کنیم که مورد قبول آنها که چهل سال دیگر بپای ما میماند باشد و در حقیقت شرایط آینه دار پیش بینی کنیم زیرا آنها هم ملت ایرانست و موافق نماز پروردگاری ملت ایران چهل سال بعد را تا روزگار آنها را سیاه کنیم چون میخواستیم مدوری بیشتر شکم امروزی هاسیر شود در این مورد برای اینکه ما بتوانیم شرایط علمی و عملی زوجهای بعد را در نظر بگیریم لازم میآید معاصم و ذخیره منابع دنیا را با توجه به صوری کتا چهل سال دیگر روبرو بآینش است با معاصمات دقیق ریاضی مورد توجه قرارداد هم در این صورت یعنی باید نظر گرفتن وضع موجودی و ذخیره چهل سال آینده آتوق قبیت نفت ما آرزو و در آن شرایط معلوم خواهد شد و مسلماً بپای نفت در چهل سال بعد هر تنی ۴۰ شلیتک نخواهد بود پس چرا ما میخواستیم نسبت باینکه گان متعددی باشیم و دست و پایی آنها را در زمینهای قرارداد هائی که ما امضاء می کنیم ببندیم این عرایض بغرض اینست که این قرارداد برای شرایط فعلی مناسب باشد در صورتیکه چنین نیست و در قسمت ایرادات و دلایل در این محسوس توضیح خواهیم داد

نکته دیگری که باید مورد توجه و نهایت فراد گیرد طرز تفکر ملت ایران نسبت به قرارداد هائی هست که تا کنون دولتهای زورمند ملت ایران تحصیل کرده اند و همچنین طرز تفکر دولتهای زورمند در تنظیم و تحصیل قرارداد های ملت ایران است. در قیام دلیرانه ای که ملت ایران برای برهم زدن قرارداد ۱۹۳۲ نمودیک نکته اساسی و روشن تجلی نمود آن نکته این بود که ملت ایران درک کرده بود قرارداد هائی از نوع قرار داد ۱۹۰۷ قرارداد ۱۹۱۹ و قرارداد شیلات و قرارداد ۱۹۳۳ و امثال آنها ملت ایرانیان در شرایط مساوی با آن طرف قرار داد نگاه داشت بلکه تسلط آن طرف قرارداد را باین طرف قرار داد که دولتهای وقت ایران بوده اند را باقی رها نمودند.

قرارداد ۱۹۳۳ راد هم میباید ملت ایران فقط با خود قرارداد مبارزه کرد (دکتر بینا آقای کاشاری این اظهار را بفرماید انگلیس در اینجا گفته شد که برای انگلیس هائیلینت تلاش ملت ایران هم معاصماتی که در طول مبارزات خود برای ملی شدن صنعت نفت بود و در هم پیچیدن قرارداد ۱۹۳۲ منحل گردید - از بابیان و عدم تعدید قرارداد شیلات هم اظهار مسرت نمود برای نشان دادن طرز تفکر ملت ایران بکلیه ملل متقدر و زورمند جهان بود که بداند این عقدا بن قیام قرارداد هائی را از ما متوق بمانند که خود آنها هم نظایر و مشابه آنها را امضاء می

تمام اختلافات معنی که بین ملت ایران و حکومت های انگلیستان و سایر کشور های بزرگ زور گو وجود دارد از همین جانشی میشود که تصور می کنند هر چه شرف و حیثیت و آبرو در نهانست با اهل آنها باشد و آنچه ذات و بیجاوکی است با بس مال دیگران باشد و مادام که طرز تفکر دیلیت های دول بزرگ ملت است جای هیچ صیبی با شیم -

من صراحتاً در این مکان مقدس مرض میکنم ملت ایران شرف و حیثیت ملی خود

درباب کفالت سوزن فرار داد انگل و سران واز این قبیل قرارداد ها همه ناشی از یک طرز تفکر است دولت انگلستان و سایر دول بزرگ خودشان را در جامه ملتها با ما برین متساوی العتوق میدانند اگر چه متظاهر باین منعی میکنند و همین جبه در اینگونه قرارداد ها داعه رعایت تسلط با طرف فراد ادوین دیگری شده است - ملت ایران در قیام مقدسی که نمود با شخص معین با همت دولت معینی طرفیت نداشت بلکه با این طرز تفکر مبارزه کرد و نه تنها با فراد داد ۱۹۳۳ مبارزه معالفت کرد بلکه با هر فراد دادی از این نوع که تسلط این طرز تفکر را باینکه ملت باشد مغالفت میکند و عبارت دیگر ملت ایران يك مغالفت اصولی بانوع قرار داد ۱۹۳۳ داشته و دارد و فقط قرارداد هائی را قابل قبول میدانند که طرف قرار داد در جهان ملتها شانه شانه شود و قرار داد ۱۹۳۳ نهفته بود معیناً و بطور وضوح وجود دارد و معلوم میشود هنوز دولت انگلستان در کتکره که ما بهائات و عبارات و کافه قرار داد ۱۹۳۳ مبارزه نکردیم ما با ما و طرز تفکری که این قرارداد را فراد آورده بود مبارزه کردیم و مادام هم که بخواهیم با آن طرز تفکری که قرارداد های ۱۹۱۹ و ۱۹۳۳ را عرضه و تحویل سکردند و یا فراداد هائی که با کشور های بی بدوی و غیر متساوی العتوق منعقد می کنند فرات دادی با ما مبارزه کنند و بعد تصویب خود را در نجانوت و نتیجه ماکس کسرت نماند واقع معالفت انگلستان کنون انگلستان که ملت آنها با یور شرشاق و قدرت شتمی فراوان شرف و حیثیت خود باینده هستند و با افتخارات و سزای خود دلالت نموده هستند همانقدر بلکه بیشتر ملت ایران پای بند است - نمی دانم چرا ملت انگلستان برای خودش این را میبخواهد که در دنیا با حیثیت زندگی کند و بر سر تیش بهم نفوذ ولی نمی خواهد بفرمده کملت ایران هم بشرف خودیای بنده است -

تمام اختلافات معنی که بین ملت ایران و حکومت های انگلیستان و سایر کشور های بزرگ زور گو وجود دارد از همین جانشی میشود که تصور می کنند هر چه شرف و حیثیت و آبرو در نهانست با اهل آنها باشد و آنچه ذات و بیجاوکی است با بس مال دیگران باشد و مادام که طرز تفکر دیلیت های دول بزرگ ملت است جای هیچ صیبی با شیم -

من صراحتاً در این مکان مقدس مرض میکنم ملت ایران شرف و حیثیت ملی خود



را از میج ملتی در دنیا کمتر نمی دانند و هر دولت و ملتی هم که بخواهد مارا بپوشم ملت زبون و ذلیل نگاه کند و روابط خود را بر این پایه با ما برقرار کند سست در اشتباه است. (مسعودی) بیان آفای وزیر دارائی (بود)

البته آمریکا با میلیونها تن محصولات و مصنوعات صادر میکند کارخانجات عظیم و دلار بی حد حساب دارد انگلستان تعداد کثیری جاسوس جیره خوار، بهره مپی دورتر تاسر جهان دارد روسیه میلیونها سرباز زیر اسلحه دارد ولی هیچکدام از اینها دلیل این نمی شود که از لحاظ شرافت و حیثیت ملی خود را فوق ملت گمشدگان ایران قرار دهند. و آن نکته ای که بیسیاسی انگلستان با یک قرن و نیم سابقه در مشرق زمین نتوانست بفهمد همین نکته اساسی است.

تبلات شرکت نفت انگلیس و دولت بریتانیا ذهن ملل بی غیر از چگونگی روابط کسود پنجده ساله انگلیسها با ایران را برانگیخت و با کمال وقاحت ملت ایران را همدشکن قلمداد کردند و با تقویر تبلیغ نمودند که ملت ایران بتمهات و قراردادهای نواقصی نمیکند وزیر آنها میزند برای اینکه ملت ایران در آینده نیز تا و او را در ده منم بقض عهد نشود باید سر براهش کشیم. ملت ایران احترام قراردادهای نمهی را خواهد داشت که آزادانه و با رعایت شرایط مساوی امضاء کند. و بکسی این دور زدن و هراسانته که پای بنده تمهات خود نبیندند و هر جا با ملت نشان در بی باشد تمام قراردادهای ما امضاء ما و اصول اخلاقی را زیر پا میگذازند. مگر ملت ایران فراموش میکند سر برید پولاد سفیر انگلستان در نیمه شب سوم شهریور ۱۳۲۰ با تفاق سفیر شوروی نخست وزیر ایران را از خواب بیدار کردند و غیر شیخون کشور روس و انگلیس را بملت بل دفاع از دولت دادند مگر دولت های متجاوز با دولت ایران قرارداد های مودت امضاء نکرده بودند مگر همین سفیر دولتهای متجاوز در موقع تسلیم استوارنامه های خود نمی گفتند (برای تشبیه روابط حسنه بین دولتی ایران و انگلیس با ایران و شوروی آمده ایم) ولی ملت ایران منی و مفهوم تشبیه روابط حسنه را در نیمه شب سوم شهریور ۱۳۲۰ درک کرد. هنوز خانواد های ایرانی که از تسلط تواریخ انگلیس بیگانه در دفع و مذهب بودند آن خاطرات تلخ را فراموش نکرده اند. مگر ملت ایران فراموش کرده آذربایجان عزیز به بدست پیشه و زحمت بیسی میسوخ و بسربازان ایرانی اجازه ورود و بیگانه آذربایجان داده نشد برای آذربایجان رئیس جمهور ولای مجلسی و فلاحتی داشته ولی در زمان اجماع سالیانیک سالها قبل و بعد از آن سفیر

دولت شوروی باز در موقع تسلیم استوارنامه صحت از تشبیه روابط حسنه) نمودند. مگر ملت ایران مدافعه و دست بیکانه را در علم کردن حزب توده نمی بیند اینهمه معلومها رنگا رنگ که سالها است اداره میکنند. این حوزه های علمی و زیر زمینی که برای از بین بردن استقلال ملک شیب روز کار میکنند مگر ملت ایران میدانند با چه پولی و با چه نیرویی وجود آمده است همه را ملت ایران میدانند و همین جهت با مبارزتهای مبتذل و ظاهر قریب گول نمیشود ملت ایران میدانند که هر فراری و هر خائنی که بروی اناطه وطن خود ششیر کشیده ملأ و بیناه گشای کماست و در این مقدمه علیه استقلال و رژیم ملک در گجا نگهداری میشوند و این ششیر های منحرف برای ربغتن خون ملت ایران نیز میبندند و همین دلیل بیهوده های مودت و قرارداد های دوستی و تشبیه روابط حسنه ای که زبازند سفیر کبیر است با چنین اعمال خلاف جوان مردی نمیتواند مستظهر و مطمئن باشد همه میدانند که حزب توده ای که به خلاف منصفه مقصد ما فعالیت استقلال و تمامیت رژیم کشور ما فعالیت میکند با نظر فکری اگر چه یک فکر کمونیستی را در ایران رواج میدهد ولی از لحاظ تخریب کلا مورد تقویت و حمایت سیاست انگلیس بوده است هیچکس نیست نفاذ کننده کردار آن حزب توده که کینه تدارکات حزب را در جریان مینماید له تصویب گزارش هیئت ۸ نفری اداره و رهبری میکردند. همه میدانند که سر جنانان حیثیت مبارزه با استعمار که برای مقاله با نهضت ملی ایران علم شده بود دلانهای سیاسی انگلیستان هستند که کتر هم آسبی با آنها می رسد و راست راست راه میروند و باز هم نقشه می کشند ولی در عین حال که انگلیس ها در نقشه های تخریبی خود از حزب توده استفاده میکنند در عین این که به بود کترین و دشمن دین و وطن ما برای مبارزه با ما مانده و از برای این میبندند و تشبیه روابط حسنه میزنند و ملت ایران را متهم به همدشکنی میکنند در صورتیکه ملت ایران همی نداشته و تشنه است. که بشکند این مظالم و قیام باید گفته شود تا ملت دنیا بدانند ملت ایران معلوم است و برای دفع ظلم قیام کرده. این مطلب باید گفته شود تا کسانی که بخواهند طرف قرارداد قرار گیرند بدانند ملت ایران از چه اعمال و رفتار زنج برده و میرد و این قلبهای مجروح و دلهای چرکین با تمارفات مبتذل صافی نخواهد شد. این واقعات باید گفته شود چون اسامیران طرف قرارداد بر همان طرز فکر گذاشته شده و این طرز فکر فط است که آنها را ضرر دیش بردن مقاصد خود و فشار بملت ایران میسازد اما آنها میبخواهند غیر از این است ما میگوئیم بهمان دلیل که در ذات و عین انگلیس به حیثیت

و شرافت و ملیت بر میخورد اگر دولت فرانسه بخواهد انحصار مایه گیری نقطه ای از آذبهای انگلستان را در دست داشته باشد و بهمان دلیل که بهر شیوه ملت فرانسه بر میخورد اگر صنایع فولاد سازی فرانسه را انگلستان اداره کند باید بپندهند که ما هم خود را در عرض آنها مشتتسیم و ملت ایرانهم نمیتواند تحمل کند بیکانه بهترین صنایع ملک او را در دست خود نگذارد و حتی برای صرف نفت داخلی و مصارف دفاعیش اختیار استخراج و تصفیه نداشته باشد. این برای ملت ایران به چه وجهی قابل تحمل نیست که اجنبی بیاید در خانه او و بهر مبروری کند ولی خود ملت و دولت ایران را از اذخاوت در امور فنی استخراج و تصفیه منوعه سازد اگر ملت امریکا و انگلیس چنین شرطی را برای ملت ایران میبندند ما قبول نمیکند ولی در نهایت آنکه قضیه مهم ترین اصلی که در قراردادها باید رعایت شود اصل تساوی حقوق است. چرا ما برقرار دادیم تهارتی از اینو اینطیبا با چکوسلواکی ایتردی نیکیم چون آنها ما چیت. چینی ماشین آلات وغیره میفرشند و در مقابل بنهوشگبار و اجناس دیگر خریداری میکنند در اینگونه قرار دادها طرفین نفع میبرند هیچکس دیگری تسلط سیاسی یا اقتصادی پیدا نمیکند و بهین دلیل هم بی سروصفا و با کمال میل و رغبت قرار دادها امضاء و تجدید میشود و ممکن است سالها با رضایت و علاقه طرفین بدون هیچ فشاری ادامه پیدا کند ولی در قرارداد حاضر به چه وجهی رضایت اصل تساوی حقوق نشده است. این قرارداد یکطرف قرارداد را با طرف دیگر قرارداد مسلط میسازد. صنعت و منابع ثروت یک طرف قرارداد را در اختیار و قبضه طرف دیگر قرار میدهد و هیچ حق دخالتی بطرف دیگر قرار داد برای اداره این صنعت داده نمیشود. باین دلیل بر پایه تساوی حقوق قرار ندارد.

با اینکه امریکا از لحاظ صنعت بطور کلی و صنعت نفت با لاهی خلیجی از انگلستان جلو است ولی هیچگاه ملت انگلیس و پارلمان آن کشور اجازه نخواهند داد دولت انگلستان نظیر چنین قراردادی را با امریکا منعقد کند به مصیبت و صداقت ملتها مطمئن باشند مستفاده در قرار داد حاضر این اصل رعایت نشده و من بیم دارم که این تسلطی که آنها برای خود میخوانند و حقارتی که برای ما میسندند سر انجام مطلوبی برای آنها نداشته باشد و ثلث و زنجیر ملت ایران را بیش از پیش متحرک سازند.

از نایندگان محترم شما دارم باین نکته مهم معرفت انفسی توجه عمیق میبندم فرمانبند زیرا مقدمه نهشتهای قیام و حتی انقلابات بزرگ نتیجه عدم توجه ما در امر تسلیم و پیشرفت قراردادی نمیشود ملت ایران باید بهمان دلیل به انگلستان تنها امریکا

بفراسه و هلند اجازه نمیدهند که همترین صنعت ملک او را در دست بگیرند خود متوجه داخله باشد.

روابط دوستانه داشتن تجارت کردن همکاری صمیمانه بین المللی داشتن سفیر و یکدیگر بودن که احتیاج به مقرر قراردادهای غلط و ششاد ندارد مانقت داریم با کمال میل میفرشویم احتیاج بیک نفر داریم. ما کمال سعادت علاقه کنکهای فنی را استقبال نمیکند ولی مگر لازمه اینکار عقد قرار دادی است که از ما سلب اختیار و تسلط بکند؟

ازبده اینجنگ اخیر تا اکنون صد ها مشاور و کارشناس و متخصص امور کشاورزی و صنعتی و بانکی و اقتصادی بکشور ما آمده و همراستا استقبال کردیم با همه روابط صمیمانه داشته ایم برای اینکه برای کمک فنی آمده اند چنین شرطی را برای ملت ایران میبندند ما قبول نمیکند ولی در نهایت آنکه قضیه مهم ترین اصلی که در قراردادها باید رعایت شود اصل تساوی حقوق است. چرا ما برقرار دادیم تهارتی از اینو اینطیبا با چکوسلواکی ایتردی نیکیم چون آنها ما چیت. چینی ماشین آلات وغیره میفرشند و در مقابل بنهوشگبار و اجناس دیگر خریداری میکنند در اینگونه قرار دادها طرفین نفع میبرند هیچکس دیگری تسلط سیاسی یا اقتصادی پیدا نمیکند و بهین دلیل هم بی سروصفا و با کمال میل و رغبت قرار دادها امضاء و تجدید میشود و ممکن است سالها با رضایت و علاقه طرفین بدون هیچ فشاری ادامه پیدا کند ولی در قرارداد حاضر به چه وجهی رضایت اصل تساوی حقوق نشده است. این قرارداد یکطرف قرارداد را با طرف دیگر قرارداد مسلط میسازد. صنعت و منابع ثروت یک طرف قرارداد را در اختیار و قبضه طرف دیگر قرار میدهد و هیچ حق دخالتی بطرف دیگر قرار داد برای اداره این صنعت داده نمیشود. باین دلیل بر پایه تساوی حقوق قرار ندارد.

با اینکه امریکا از لحاظ صنعت بطور کلی و صنعت نفت با لاهی خلیجی از انگلستان جلو است ولی هیچگاه ملت انگلیس و پارلمان آن کشور اجازه نخواهند داد دولت انگلستان نظیر چنین قراردادی را با امریکا منعقد کند به مصیبت و صداقت ملتها مطمئن باشند مستفاده در قرار داد حاضر این اصل رعایت نشده و من بیم دارم که این تسلطی که آنها برای خود میخوانند و حقارتی که برای ما میسندند سر انجام مطلوبی برای آنها نداشته باشد و ثلث و زنجیر ملت ایران را بیش از پیش متحرک سازند.

از نایندگان محترم شما دارم باین نکته مهم معرفت انفسی توجه عمیق میبندم فرمانبند زیرا مقدمه نهشتهای قیام و حتی انقلابات بزرگ نتیجه عدم توجه ما در امر تسلیم و پیشرفت قراردادی نمیشود ملت ایران باید بهمان دلیل به انگلستان تنها امریکا

ملت اثر فراوان دارد. من سراسر اعلام میکنم ملت ایران دیگر نمیخواهد و نمیتواند تحمل کند که طرف قراردادی باشد که تسلط فیرا بر او تجویز نماید. من سراسر اعلام میکنم ملت ایران واقعا نمیتواند خودش را راضی و متقاعد کند که اجنبی بر منابع و صنایع نفتی ما تسلط و شمولت ایران فقط فقط نظارت شرقیاتی و مشروطات داشته باشد ملت ایران دیگر طاقت ندارد اسیر اقتصادی بانک لندن باشد. این باشارها هیچکدام بجهت مادی قضایا نیست بلکه لغت اصلی اینستکه ملت ایران دیگر کتاب تجارت ندارد از تسلط بیکانه و تحقیر شردن زبان فراوان دیده که مهمترین آن زبان روسی است و نکته ای که صفتی قوم زبان مورد تائید خاص فرار دهند و از لحاظ بقا قومیت و ملیت ما کمال اهمیت را دارد همین است که این آژردگی روسی ممکن است ملک را بقیام های خونی و انقلابات دامنه داری بکشاند که دیگر هیچ قدرتی یاری جلوگیری نداشته باشد. از نظر بنیاد دور داشت قرارداد روسی و سکون دلیل موافقت و تسلیم نیست و روسی هم که قرارداد ۱۹۳۳ تحویل شد محیط آرام و ساکت بود ولی خلع بدی کبانی ولی شدن صاحب نفت طرفانی بود که آن سکون و آرامش دوری داشت.

قرارداد حاضر یک نوع فشار روحی برای ملت ایران ایجاد می کند بطور قطع همه باریک بینان از عواقب آن بینا کنند امروز دولت میخواهد کارش بگذرد تا بوجه ملک را تعادل دهد. انگلستان و امریکا کبانیای نفتی هم میخواهند کارشان بگذرد و خراشانی از لحاظ نفتی ایران را در دست خود ولی هیچکدام توجه ندارند که دیگر روح آژردگی ایرانی حاضر نیست پس از یک بقیام دلیرانه نهضت بر افتخاری که بقیتم خون عزیز ترین فرزندان و مجروحینهای اقتصادی ملت ایران تمام شد تا زود قراردادی با عرض شود که بجز کترین مزیت آن نیست که با کشور هائی نبیند مثل که یک قدم بلکه یک هزارم کشور ما را در تعصب کرده و آشنا بقوت ملی ندارند و تاریخ استقلال آنها از جنگ بین الملل اول شروع می شود و موقعیت سون الجیشی و جغرافیائی آنها یکصد ایران ارزش ندارد نظیر همین قرارداد را نموده اند و خود معصومان خام و تصفیه شده را بدون بها و رایگان بدهد.

تفق این مطالب باهم یک نتیجه میدهد و آن اینستکه موافقتی امضاء قرارداد هم ملکتر تا چار و مجبور می بینند که چنین قراردادی را در شرایط فعلی قبول و تحمل کنند تا از این بفرقند که اینکه واقعا قرارداد حاضر را بقتوه معلق می بینند و به آن رضایت ندارند. بنده از زمین کینه بفتح ملت ایران انعاما سند میکنم و قبل از اینکه نسبت ببولاد قرارداد ایرادات و دلایل مخالفت خود را بیان کنم لازم میدانم نسبت

بچگونگی تسلیم لایحه دولت افعال و اعتراض قانونی خود را عرض کنم. طبق صریح ماده ۱۲۸ آیین نامه داخلی مجلس شورای ملی که برای ضبط در صورت جلسه و اتخاذ سند از آن هیئت است. (ماده ۱۲۸ هرگاه دولت لایحه قانونی مجلس تقدیم و تصویب نمیداند و مقوله نامه و یا قراردادی را که با یکی از دول خارجه بسته میشود تقاضا نماید مواد در صورت ثبوت عدم رضایت وجود اجبار و اگر ام معامله خود بخود باطل و فاقد اعتبار میشود. حال اگر طرف معامله ملت ایران باشد. چون تصدیق دارند که ما همانند خود حدود پنج میلیون دلار کسک دولت آمریکا به بدهد ملک در صورتیکه قرارداد حاضر امضاء و مبادله نشود قطع میشود و ملکتی که نتواند حقوق ماهانه یا سالیان و ژاندارت و معلس را بگیرد از یاد بقدرت نیست (رئیس - بدون رای هم مانی نداشت) بنده از بیان این تغلف قانونی و تفکر اینکه چنان امکان بعث دوری یک مواد قرارداد چنانچه قرارداد های عالی و حرج و تعدیل و پیشنهاد اصلاحی نسبت به هر یک داده شده این نظر را ندارم که مجلس شورای ملی بر وفق آیین نامه در این مورد بخصوص عمل نماید زیرا بوقع این اغراض نظامنامه های وسیله های نماینده محترم بعمل آمد و مورد توجه قرار نگرفت بلکه تصدق از تذکر این مطلب مجدداً اعتراض سند نیست. شاره اجاری است که برای امضای قرارداد بعمل می آید (جسی از نایندگان با همه - چه فشاری؟) (میر اشرفی - میگویند فشار) و بعد از آیین نامه داخلی مجلس و قرارداد با هشت کبانی تجارتن را بصورت قرارداد بنا یک دولت خارجی متضم باده واحد مجلس تقدیم کردند. دل در فشار و سیاست خارجه و اجبار و جله است و برای مجلس برای عدم رعایت آیین نامه در این مورد این حقیقت را مکتوم نخواهد ساخت (میر اشرفی - عجله برای اینستکه تمام ملک بلاتکلیف است) برای اینکه چند کبانی شرب الاجل برای تصویب قرارداد تعیین کرده اند و عدول و تغلف نمیکند (همه نمایندگان)

رئیس - بگذارد گوش بدهم تا مواشانا بگویم. شاید از خستگی به ایسان فشار آمده باشد (خنده نمایندگان) والا بنده پیشنهاد کفایت مفاد کرات را که رسیده بود مطرح نکردم آنوقت میفرمایند بنده میخواهم با تمام آباء و بنان قرارداد













کمیتهای بزرگ نفت که مشاورین فنی متعدد دولتی مذاکرات داشته اند بدون استفاده فنی از نظریات چنین مؤسسه‌ای که ادعا میکند صلاحیت فنی بین‌المللی دارد انجام داده است همچنین در صورتی که مؤسسه (شواتزبرش کاس فورورزیونوژن زوید) داور محاسباتی تا این درجه به حسابی و بصر دارد که در صورت بروز اختلافات محاسباتی بین دولت ایران و شرکت ملی نفت با کمیته‌ها و کارشناسان طرف قرارداد کارشناسان و احداً کارشناسان - موسمی که چنین مؤسسه‌ای تعیین کننده مورد قبول دولت و کمیته‌های طرف قرارداد میباشد منظور شده که دولت یک کارشناس محاسباتی برای مشاوره از این مؤسسه در جریان مذاکرات قبل از تنظیم قرارداد نخواست

اگر دولت این مؤسسات فنی و محاسباتی را میبناخت و به تخصص و صلاحیت آنها اطمینان داشت چرا از موجود کارشناسان این مؤسسات استفاده نکرد و اگر کارشناسانی ندارد و چون کمیته‌های طرف قرارداد داد چنین مؤسسات را بپیشنهاد کرده و فراموش قبول کرده چگونه میتوان سر نوشت حقوق یک ملتی را تا چهار سال، بچنین مؤسساتی سپرد در حالی که دولت هنوز آنها را نبیند (وزیر امور خارجه - اگر از انجام بی‌آوردیم بازم می‌گفتید نظر داشتید) در اینجا چون اساسی از کارشناس برده شد، بنسبیت منصفیت عرض کنم دولت در مذاکرات نفت از وجود کارشناسی بنسبیت حقوقی یا فنی استفاده کرد که در تنظیم قرارداد بی‌طرف نبود و بعضی هم اساساً در کارشناس بود نشان نرود است

مدتی (داون برت) امریکائی مشاور حقوقی دولت در مذاکرات اخیر بود (وزیر امریکائی هم در همین مدت کارشناس فنی دولت بود چندی (ناکازان) تبعه امریکا بنسبیت کارشناس در جلسات مذاکرات شرکت کرد و بعد از آن هم مدتی (کارابری) فرانسوی بنسبیت مشاور حقوقی برای توجیه طرح قرارداد و تطبیق دروغی آن با قانون ملی شدن صنایع نفت ایران در جلسات شرکت می‌نمود و معاصراً می‌نماید (وزیر دارائی - از کجا می‌آوردیم؟) شمارا بغداد وقتی کمیته‌های امریکائی فرانسه طرف قرارداد باشند برای اینکه مواظب باشیم در تنظیم قرارداد حق ابرامت تصبیح نشود - مشاور فنی و حقوقی در دنیا قهقور و در هیچ کشوری غیر از کشورهای پشتیان کمیته‌های طرف قرارداد مشاور حقوقی و فنی پیدا نشده که اینها را آوردند مبلغ هنگفتی هم حق‌الزحمه بابت کارشناسان تصبیح حقوق از کسبه ملت بی‌پناه پرداخت کردند

اگر دولت آزادی عمل در انتخاب آنها داشته که واقفاً موجب شرمندگی ملت ایران را نزد ملل زنده دنیا فراهم ساخته در انتخاب کارشناسان فرانسوی و امریکائی

در مورد بزرگ کمیته‌های امریکائی و فرانسوی طرف قرارداد واقع اند هم توجیه دولت را باستانی ترین وظائف خود که عبارت از مشاوران قراردادن مدعی است میرساند اگر بدولت کارشناسان و مشاور حقوقی تمهیل کردند از کجا که فردا در مورد اختلافات چنین تحلیلاتی نشود

دنیا میدانند که ملت ایران مظلوم بوده است - بشا کفار مذاکره عمده کثیری کارشناس و متخصص و مشاوران فنی و حقوقی طرف دیگر مذاکرات چند مدت پرورد شرکت نفت انگلیس و ایران و کسانی که بنسبیت خدمتگذاری بدولت انگلیس ممال زرر گرفته‌اند و همچنین چند کارشناس فنی حقوقی که فرود دولتهای حامی کمیته‌های طرف قرارداد داد برای ما ترشیدند با چنین مقدمات و در چنین شرایطی چنین قراردادی تنظیم شده است - با این سوابق و تجربیات چگونه می‌توان موافقت کرد سر نوشت ملت ایران در صورت بروز اختلاف در خارج از کشور ما و بوسیله کسانی تعیین شود که نسبت به صلاحیت و بی طرفی آنها شناسایی نداریم - اگر قرار داد واقعاً قرارداد فروش بود مسئله رسیدگی به وضع اختلافات چندان اشکال نداشت - مطلب اینست که قرارداد شامل عملیات نامعهود بشرکتیهای عامل در منطقه مهی از مملکت است و مسائل مربوط به اویبائی و بی سیم و تلگراف و بازرسی اسکله‌ها و استخراج و تصفیه و حمل و نقل و خیلی مطالب که هیچ ارتباط با فروش نفت ندارد در قرارداد گنجانده اند و همین جهت رسیدگی بچنین اختلافات بوسیله خارجه و داوری و آرای کارشناسان حقوقی فنی و محاسباتی به منزله مداخله در اساس حاکمیت ملی و قلمرو حکومت و منافع حیاتی ملت ایران است و بهیچوجه نمی‌توانم در قبول قرارداد شرکت کرد و بعد از آن هم مدتی (کارابری) فرانسوی بنسبیت مشاور حقوقی برای توجیه طرح قرارداد و تطبیق دروغی آن با قانون ملی شدن صنایع نفت ایران در جلسات شرکت می‌نمود و معاصراً می‌نماید (وزیر دارائی - از کجا می‌آوردیم؟) شمارا بغداد وقتی کمیته‌های امریکائی فرانسه طرف قرارداد باشند برای اینکه مواظب باشیم در تنظیم قرارداد حق ابرامت تصبیح نشود - مشاور فنی و حقوقی در دنیا قهقور و در هیچ کشوری غیر از کشورهای پشتیان کمیته‌های طرف قرارداد مشاور حقوقی و فنی پیدا نشده که اینها را آوردند مبلغ هنگفتی هم حق‌الزحمه بابت کارشناسان تصبیح حقوق از کسبه ملت بی‌پناه پرداخت کردند

اگر دولت آزادی عمل در انتخاب آنها داشته که واقفاً موجب شرمندگی ملت ایران را نزد ملل زنده دنیا فراهم ساخته در انتخاب کارشناسان فرانسوی و امریکائی

دیگری از هر قبیل از طرف ایران با مقامات دولتی در ایران (هم از مرکزی و محلی) این قرارداد را انشاء نخواهد نمود و مقررات آن اصلاح یا تغییری بعمل نخواهد آورد و مانع و معطل اجرای مقررات آن نخواهد شد اولاً کله (دولتی) مندرج در جزء (ب) ۴۷ اعم است و اگر مقصود دولت ایران است باید کلمه (ایران) بلکه دولتی اضافه شود و اگر مقصود دولتی غیر از دولت ایران است چه دلیل دارد که قوانین و مقررات و احکام دولت دیگر را طرفهای قرارداد اطاعت کنند ولی قوانین و احکام و مقررات دولت ایران را اجرا نکنند بهر صورت مادام که در این خصوص جناب آقای وزیر دارائی توضیح ندهند نمیتوان منجزاً اظهار عقیده نمود

ماده ۴۸ قرارداد - شاهکار و نمونه یک طرفه بود قرارداد است و تصویب می‌کنم این اولین قراردادی است که طی یک ربع قرن اخیر دولتی در ایران می‌گذرانند و قید میکند که آن نسخه قرارداد که بزبان طرف قرار داد است معتبر است - آن قسمت از جزو الحاق ماده ۴۸ عیناً قرائت میشود ( هر گاه بین دولتین منزه اختلافی در مورد حقوق و وظائف طرفین پیدا شود متن انگلیسی معتبر خواهد بود ) (عبدالرحمن فرامرزی - این یک عمل بین‌المللی است) یک زبان رسمی است اول زبان فرانسه بود حالا انگلیسی هم علاوه شده) در اینجا باید یاد آورد که اساساً در صورت بروز اختلاف نسخه های قرارداد از جهت زبانی با آن تنظیم شده اعتبار پیدا میکند - اولاً مادام که اختلافی نباشد و کمیته‌ها به تمهیدی خود ادامه دهند که اختلافی نیست - هر وقت تصمیب گرفته شد جلوتی و با تفسیر توجیه نازوا و عمل خلاف گرفته شود آنوقت اختلاف بوجود می‌آید در این مورد چرا باید متن انگلیسی در صورت بروز اختلاف با متن فارسی معتبر شناخته شود - فرض کنیم قرارداد خوب و مورد قبول در این صورت اگر دولت ایران یا شرکت ملی نفت اجرای صحیح قرارداد را بخواهد مگر نباید آن چه قائم تا تصویب مجلس شورای ملی رسیده آنرا ملاک قرار دهد ولی وقتی کار بداور رسید متن انگلیسی مناسط اعتبار است

آنان نمانند که محترم موافق قرار داد شما می‌خواهد بآن نسخه‌ای از قرارداد رای بدهید که در صورت بروز اختلاف نافذ اعتبار است - چون مجلس شورای ملی نمیتواند بنیاید متن انگلیسی قرار داد را تصویب کند و آنچه مورد استناد در اختلافات است - چون بفرس تصویب قرارداد آن نسخه مورد تصویب مجلس شورای ملی قرار نگرفته بنابراین سند قرارداد که با کتبی آن بدعاوی و اختلافات ایران با طرفهای قرارداد رسیدگی میشود از نظر ملت ایران نافذ ارزش و اعتبار است تصمیبات و آرائی هم که باستناد سند غیر معتبر تصویب نشده در مجلس شورای ملی صادر شود بهیچوجه از نظر ملت ایران قابل قبول و الزام آور نیست و من در اینجا از این نکته هم قضائی به نفع ملت ایران اتخاذ سند می‌کنم

ماده ۴۹ - مدت قرارداد - معروف است که مردی به همسایه‌اش وامی داد و موعد پرداخت وام را از روز مقرر خود تعیین کرد آنها که در چنین تاریخ پرداختی مطلع شدند تعجب کردند که این دیگر چه جور تعیین موعد است بواحد هفتدهه مراجعه کردند و تعیین این چنین موعدی را بر سر بند او گفت همسایه من مرد تنگدست ولی خوش قلبی است او ندارد که وام را زود بدهد بنابراین همیشه خواهی کرد من دیر تر بدهم تا او هم دیر تر بدهد این قرارداد مدت قرارداد حاضر در دست بکس این منطبق تعیین شده است من فراموش نمی‌کنم در جنگ اخیر مردم نیزه‌ش و حماسه ایران که از طول قرارداد تعلیمی ۱۹۳۴ بسته آمدند بودند و هیچ مفری برای برهم زدن این طلسم نسی پیدا نیکبندند اول ظلم و تعدی و حقارتی که انگلیسها روا میداشتند جانانان را پس رسیده بود تنها می‌نماید و تسلی خاطر می‌کند که پیدا کرده بودند جنگ بین دولت انگلیس و دولت آلمان آرزو شد با شوق و شغفی گوش برادری می‌دادند و خبر پیشرفت و فتح آلمانها را بهترین مژده می‌دانستند اگر نخواهد معامله بشود و اگر اجازه بدهید حقیقی بی‌برده گفته شود تا او بای امور انگلستان بطرف زنگی ملت ایران در باره خودشان بنده شدند و شاید در رویه خودشان تجدید نظر کنند - عرض می‌کنم - بعداً قسم - اکثریت طبقات مملکت کس در کار مدارس از اینکه یک روز مثلاً هوا بیایم آلمانها توانستند بودند بسبب پیشرفت روی تأسیسات صنعتی انگلستان بر زمینها از در افکنهای آلمان موفق شده بودند چند کشتی انگلیسی را غرق کنند و این اخبار را از رادیو می‌شنیدند یا در روزنامه‌ها می‌خواندند از شوق گریه می‌کردند ( صفائی - حالا با هم مذاکره و حتی برای موفقیت آلمانها مردم ساده دل دعا می‌کردند وقتی آلمانها با شور و هیاهو دست و پنجه نرم می‌کردند این شوق به پیشرفت آلمانها بیشتر شد - این طرز تفکر چرا در ملت ایران پیدا شد؟ مگر واقفاً آلمانها چنانچه فتح می‌کردند با چیزی میدادند مگر ما همی از غنا می‌میردیم؟ خیر باید - هیچ نفع مستقیمی از فتح آلمان و شکست انگلستان و شوروی عاید ما نمیشد ولی ما ظلم و تعدی خاطرات بدی در ملت می‌گذارد - روح مردم آزرده میشود و وقتی میبیند خودشان قدرتش را ندارند تا کسی که

بآنها ظلم کرده مجازات کنند خوشوقت میشوند اگر روزی دیگر پیدا شود و دارا زور کار ظالم در آورد من از اینجست این توضیح را عرض کردم تا غلای قوم‌کاری کنند که شکاف فعلی بین ملت ایران و هیئت حاکمه دولت انگلستان شرک نفت انگلیس و ایران هم یک از کارن همین هیئت حاکمه است پرشود و تنزه از آن نیست - که انگلستان از بی‌فکری گذشته دست بردارد و ساجت و یا فتاری کند که قرارداد چهل ساله‌ای را بملت متنازل و تنگدستی تمهیل کند دول غریب بطور کلی و دولت انگلستان بالاخص باید توجه داشته باشند که دوستی متساوی‌العین ایران بیشتر برای آنها ارزش دارد تا منافعی که بزور از مملکت ما بپزند ولی در هر کجوه و برزنی مردم با آنها لمن وطن کنند بیایند آن برهنه‌های سیاه و آفتاب‌سوز مندرس را در روز بپزند و واقفاً ملت ایران را آتورد که هست بشناسند و از مواهب دوستی با یک ملت داد در سه‌دفعه کاملاً بکفره است و خواستند و نخواستند دولت ایران تنگدست نماند - اگر باین مناسبت بی‌شاورین حقوقی دولت که با مهارت قرارداد را با نفع کمیته‌ها گزینش کرده اند از طرف دولت جایزه ای قدیمی باسی جدید دولت انگلستان و دولتهای همگام او باید باشد - اگر واقفاً مقصود اینستکه صنایع نفت ایران بچیران بیفتد اگر مقصود اینست ملت ایران با عایدی خودش تصرف کند و محتاج بکلیتاً چیزی نباشد اگر منظور اینست که همگاری صمیمانه ای بین دولت ایران و شرکت ملی نفت با کمیته‌های طرف قرارداد باشد - اگر می‌گویند ما کس بودیم داریم و این کسر بودجه را کمک دولت آمریکا تأمین میکند و چنانچه قرارداد حاضر را امضاء نکنیم کمک خود را قطع می‌کنند و ناچاریم که همین قرارداد را با همین شرایط بپذیریم چرا چهل ساله (فعلی عمل می‌کنند) شما که معتقدید این کمیته‌ها تاجرای خوش حساب هستند شما که عقیده دارید سالی حساب اقل پنجاه میلیون لیره عایدی بدارد میشود شما که ادعا دارید هیچ نوع مداخله در شئون سیاسی و ملی ما ندارید چنانچه شکل دارین قرارداد را پنج ساله بطور آزمایش عمل کند - اگر دیدید آنها واقفاً تجارت می‌کنند نه مداخله در امور سیاسی و اگر دیدید اجرا و ادامه قرار داد نفع دارد و بهیچ شکل مهمی در عمل بر نخوردید آنوقت بفرستال چهارم بیایند با عرض نمودن بقرض چهار ساله و بیان مشکلات و نواقصی که در عمل مواجه شدید قرار داد مطالبه غرات بستگی بچگونگی حل مسئله نفت داشت آنها نمی‌گفتند مسئله نفت را جز از خود قرارداد اصلی بقصد مطالعه می‌کنند و نسبت بان اظهار عقیده مینمایند از مطلب دورند

داده شود تقدیم می‌کنم ولی عیب کار اینست که دولت شش ماه است بفره‌های کاردار سفارت انگلستان و مشاوران سوخت بریتانیا سفیر امریکا مشاور فنی وزارت خارجه آمریکا - سفیر هلند و فرانسه - مشاورین و نمایندگان کمیته‌های معتد رفت گوش داده و نتیجه آنرا می‌خواهد حتماً اجرا کند و عقیده دولت فضای آسمان است این و دیگر گون نخواهد شد و این خلاف دموکراسی و مشروطیت است - باید عرض کنم که در جزء ب ماده ۴۹ (وزیر دارائی - پیشنهادات را بفرمایید) بعضی از آنها باید در جلسه خصوصی مطرح بشود (یک نفر از نمایندگان - همین جا بفرمایید تامل بقصد) اختیار ادامه قرارداد از طرف ۲۰ سال با طرفهای قرار داد است یعنی اگر قرارداد بر فرض خوب بود و ملت ما بپزند ولی در هر کجوه و برزنی مردم با آنها لمن وطن کنند بیایند آن برهنه‌های سیاه و آفتاب‌سوز مندرس را در روز بپزند و واقفاً ملت ایران را آتورد که هست بشناسند و از مواهب دوستی با یک ملت داد در سه‌دفعه کاملاً بکفره است و خواستند و نخواستند دولت ایران تنگدست نماند - اگر باین مناسبت بی‌شاورین حقوقی دولت که با مهارت قرارداد را با نفع کمیته‌ها گزینش کرده اند از طرف دولت جایزه ای قدیمی باسی جدید دولت انگلستان و دولتهای همگام او باید باشد - اگر واقفاً مقصود اینستکه صنایع نفت ایران بچیران بیفتد اگر مقصود اینست ملت ایران با عایدی خودش تصرف کند و محتاج بکلیتاً چیزی نباشد اگر منظور اینست که همگاری صمیمانه ای بین دولت ایران و شرکت ملی نفت با کمیته‌های طرف قرارداد باشد - اگر می‌گویند ما کس بودیم داریم و این کسر بودجه را کمک دولت آمریکا تأمین میکند و چنانچه قرارداد حاضر را امضاء نکنیم کمک خود را قطع می‌کنند و ناچاریم که همین قرارداد را با همین شرایط بپذیریم چرا چهل ساله (فعلی عمل می‌کنند) شما که معتقدید این کمیته‌ها تاجرای خوش حساب هستند شما که عقیده دارید سالی حساب اقل پنجاه میلیون لیره عایدی بدارد میشود شما که ادعا دارید هیچ نوع مداخله در شئون سیاسی و ملی ما ندارید چنانچه شکل دارین قرارداد را پنج ساله بطور آزمایش عمل کند - اگر دیدید آنها واقفاً تجارت می‌کنند نه مداخله در امور سیاسی و اگر دیدید اجرا و ادامه قرار داد نفع دارد و بهیچ شکل مهمی در عمل بر نخوردید آنوقت بفرستال چهارم بیایند با عرض نمودن بقرض چهار ساله و بیان مشکلات و نواقصی که در عمل مواجه شدید قرار داد مطالبه غرات بستگی بچگونگی حل مسئله نفت داشت آنها نمی‌گفتند مسئله نفت را جز از خود قرارداد اصلی بقصد مطالعه می‌کنند و نسبت بان اظهار عقیده مینمایند از مطلب دورند

ثانیاً - یک نکته مهم را جناب آقای وزیر دارائی در مذاکره های خود ذکر کرده اند - و موافقت قرار داد هم شکر است می‌کنند - کمیته نفت انگلیس و ایران دولت انگلیس هم روی آن همیشه تکیه میکند که باید روشن شود - مطلب اینست که کمیته‌ها چون رفانوز ۹ ماده‌ای در ماده ۲ اصل فراموش قول شده پس پرداخت مبلغ ۲۵ میلیون لیره ظاهراً و خیلی بیش از این مبلغ باطناً طبق قانون ۹ ماده ای صورت می‌گیرد در صورتیکه چنین نیست - برای اینکه موضوع روشن شود عین ماده ۳۰۲ قانون ۹ ماده ای معوب ۱۶ اردیبهشت ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی را قرائت می‌کنم - ماده ۲ - دولت ملکی است با نظارت هیئت مختلط بلافاصله از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران خلع بد کند و چنانچه شرکت برای تحویل قوری و غیره وجود ادعائی بر دولت معتد شد دولت میتواند تا میزان ۲۵ درصد از عایدات جاری نفت را پس از وضع مخارج بهره‌بردار برای تأمین مدعی به شرکت در بانک ملی ایران یا بانک مرکزی طرفین دیگر و در پنجاه درصد در این ماده اصل پرداخت فراموش قبول شده ۲۵ درصد عایدات هم تأمین معایب است - مسئله تأمین معایب بهیچوجه دال بر صحت ادعای نیست (عبدالرحمن فرامرزی - این در صورتی است که دولت ایران خودش نفعدار بفرشده ۲۵ در صد را باید در پنجاه بگذارد) همه روز در محاکم عدلیه تهران خیلی از اشخاص که می‌خواهند بحق خود بر ستمه عادل خسارت احتمالی و معامله معایب در مواردی به محکمه تأمین می‌دهند ولی معنی و مفهوم آن این است که آن مبلغ را بطرف دعوی باید پرداخت چنانچه پس از معاینه محاکمه و ختد دعوی رسیدگی بحساب ها آن مبلغ تأمین شده کسی که تأمین گذاشته مسترد میشود و تازه در اصل دعوی هم حاکم شده و حساب و طلب را می‌گیرد - اسم این سفته است که دولت یا طرفداران قرارداد بگویند چون در ماده ۲ قانون ۹ ماده‌ای اصل فراموش قول شده و تأمین هم قید گردیده پس باید به کار شرکت نفت انگلیس و ایران هستیم خیر اینطور نیست - ماده ۳ قانون ۹ ماده‌ای را می‌خوانم تا موضوع روشن گردد (( دولت ملکی است با نظارت هیئت مختلط بمطالبات و دعاوی حقه دولت و همچنین بدعاوی حقه شرکت رسیدگی نموده نظریات خود را به جلیسین گزارش دهد که پس از تصویب مجلسین بموقع اجرا گذاشته شود)) بطوریکه توجیه نام یک نماینده مجلس اعلام می‌کنم که فراموش کردن دعاوی معاملاتی و همکاری با آنها تا این حد که فریاد اعتراضی را ملت خواهد پرداخت



که بداند بگوید چه حساب میرسد در برای اینکه در آینده حقوق ملت ایران معفوظ باشد من از بار اکراف چهارم قسمت دوم قرار داد اتغاف سند میبکند و نظر پایتک ضمن این بررسی بهای دارائی مربوطه پیشش داخلی و بلاشکاکه کارنامه و مبادی نفت شاوخواه اختلال کسب و کار شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران از یکطرف و اختلال اقتصادیات ایران که از همه موافقت طرفین در تصدیق مسائل ناشی از این شدن نفت ایران در سال ۱۳۲۹-۱۳۳۰ بوجود آمده از طرف دیگر مورد توجه قرار گرفته و ملاحظه فرمودید بهیچوجه مطالبات مات ایران بابت تفاوت قیمت نفت دراینتی دریا داری انگلیس، عوارض کمرکی کالاهائی که مشمول مقررات معالبت قرارداد ۱۹۳۳ نبودند سایر اقلام معالبت ایران در این قرارداد مورد رسیدگی و توجه قرار نکرده و من صریحاً اعلام میکنم چون در ماده ۳ قانون ۹ ماده ای رسیدگی به مطالبات و دعاوی همه دولت ایران رو بسیدگی بهادوی حقه شرکت نفت انگلیس و ایران نوماه قید گردیده و دولت حاضر بهیچوجه طبق بار اکراف چهارم بمطالبات و دعاوی دولت ایران توجه ننموده بنا بر این مادام که مجلس شورای ملی رأی و قبلا وضع محاسبات گذشته و مطالبات ملت ایران را رسیدگی نکند بهیچوجه ملت ایران بدین بار بگردن نمیکرد و اقداماتی که دولت در این زمینه ننموده بخلاف ماده ۳ قانون ۹ ماده ای صورت گرفته زیرا گزارش در این مورد به مجلس قبلاداده نشده است و منتظر آژامده ۳ قانون ۹ ماده ای این است دولت قبلا نتیجه رسیدگی بمطالبات طرفین را بمجلس گزارش دهد بعد در صورت تصویب برود اجرا کند درحالیکه دولت هم اکنون بدون اینکه ما بدانیم بوجه حساب این مبلغ را بهیچوجه گرفته قرارداد را باریف و امضاء نموده است و بفرش این که اکنون دولت توضیحی بدهد بازمه بدست ماده ۳ قانون ۹ ماده ای عمل نشده است بنده در اینجا ذکر ارقام دارائی و کوچکوکنی محاسباتی که دولت و کبرای نفت انگلیس و ایران دولت انگلیس نموده اند خودداری میکنم چون در اساس آن به دولت توجه باده ۳ قانون ۹ ماده ای اقدام دولت اعتراض دارم اسماک میکنم که حتی یک عدد ورقم ذکر کنم چون طرح ارقام را باین کیفیت و بدون رعایت ماده ۳ قانون ۹ ماده ۱ مصلحت نمیدانم فقط توجه نمیدانم کان معتزرا با اعلام به حضرت عالی که کاشانی راجع بفرامت که سابقاً در مجلس ترائت نمود معطوف میدارم و بد کبریک سونه علم توجه دولت بحقوق حقه ایران در باب تأسیسات پیش داخلی اکتفا میکنم و همین نامه جناب آقای دکتر پیرنیا رئیس اسبق اداره کل امتیازات نفت و معاون

سابق وزارت دارائی را که اکنون در مجلس شورای ملی حضور دارند فرستادیم (عبدالرحمن فرامرزی معطالب اکتفايي که راجع به نفت نوشته اند) - (ترافق آن نامه از طرف ایشان تأیید شد از طرف حزب زحمتکشان نوشته شده) تهران ۱۳۲۹/۱۰/۲۴ جناب آقای وزیر دارائی در اخباری که راجع بمذاکرات نفت دیشب در جریان منتشر شده است ملاحظه نمودم که برای تأسیسات بخش نفت در داخل ایران یعنی مخازن نفت و میبهای بنزین و غیره غراماتی مطالبه شده است راجع باین تأسیسات اینجا باین اطلاع دارم که لازم میدانم در اولین فرصت استحضار جنابهای برسان و این اطلاع باینست که بهای تأسیسات مزبور کلا از طرف مردم ایران پرداخت شده و این موضوع را متصدیان شرکت سابق و مشاورین فنی جنابهای بهیچوبی میدانند . جریان امر از این قرار است که هر سال در مورد تعیین بهای فروش محصولات نفتی در داخل کشور مخارج تأسیسات بخش نفت یعنی مخارج ساختمانی بهیچای فروش بنزین و خریداری اتومبیل های نفتکش و واگونهای مخزن دار و مخازن بزرگ ذخیره نفت را در حساب مخارج منظور میکردند بر قیمت فروش محصولات نفتی میافزودند و از مردم ایران وصول میکردند و حتی اگر برادری تأسیسات سرمایه های بکار انداخته بودند پنج درصد سود آتاری نیز بحساب مخارج و بالتبته در قیمت فروش منظور وصول مینمودند البته این جریان در وزارت دارائی و بخصوص اداره نفت سوابق معضلی دارد و بدون شک اداره مزبور مراتب فوق را تأیید خواهد نمود - (وزیر دارائی - کشتیم چیزی سوابقی را پیدا نکردیم) شروع این ترتیب در سال ۱۳۱۷ و زمان وزارت دارائی مرحوم داوود است و پرونده امر چنین حکایت میکند که در آن سال احدی حضرت فقید مشاهده میفرمایند که شرکت سابق شروع بساختن بهیچای جدید برای توزیع مواد نفتی در تهران و بعضی از شهرستانها نموده است . از این بابت سخت عصبانی میشوند وزیر دارائی وقت را مورد مؤاخذه قرار میدهند و شرح سختی در این باب از دفتر مخصوص شاهنشاهی وزارت دارائی نوشته میشود و در این نامه از وزارت دارائی توضیح خواسته اند که بهیچ مجوزی و با اجازه چه مقامی شرکت سابق نفت دست بکار چنین تأسیساتی شده است و نظر احدی حضرت فقید آن بوده است که خود دولت تأسیسات لازم را ایجاد و توزیع مواد نفتی در داخل کشور را اداره نماید ولی وزارت دارائی گزارش مینمود که در این باب تهیه و بدتر مخصوص شاهنشاهی ارسال میدارد که عرض برسد و در آنجا با استناد امتیاز نامه ۱۹۳۳ و عدم

توانائی ایران بایجاد و اداره چنین دستگامی و اشاره بزبای سیاسی و نظریاتی از این قبیل که متأسفانه غالباً از طرف بعضی از متصدیان امور تکرار شده است احدی حضرت فقید را مشاهده میسازند که بایجاد و اداره چنین دستگامی از طرف شرکت سابق صلاح کشور است و آن فقید بطوریکه از مذاکرات معطوف در پرونده کلاما مشهود است با کرامه باین اصرار وزارت دارائی وقت تسامح مینموده منتهی میفرمایند (پس اقل کاری بکنید که برای تأسیسات متعلق بحدودمان باشد تا هر وقت نخواستیم بتوانیم باسانی از شرکت بگیریم) خودمان اداره کنیم) روی این امر بود که ترتیب فوق برقرار گردید بدین معنی مقرر شد مخارج کلیه این تأسیسات در حساب قیمت مواد نفتی که در ایران فروخته میشود منظور و از مردم وصول شود و نمایان تأسیسات متعلق بدولت ایران است و معالجه بعد قیمت آنها از این نظر اینجا باین خلی میباید است و تا آنجا که اینجا بباغدار در این موضوع هیچ وقت از طرف شرکت سابق مورد انکار و یا حتی تردید قرار نگرفته است بر این برای استحضار عالی ابلاغ گردیده تا هر طور مقتضی باشد این اطلاع سوابق را مورد استناد قرار دهید با تقدیم احترامات فائمه) دکتر حسین پیرنیا این بود نامه جناب آقای دکتر پیرنیا نماینده محترم مجلس شورای ملی جناب آقای دکتر امینی وزیر دارائی ملاحظه فرمائید حقی که شاهنشاه فقید در ۱۶ سال قبل با تیز بینی برای ملت ایران معطوف اداره و تا این حد تا یکدیگر مبلغ نموده اند که تأسیسات بخش داخلی متعلق بخود ملت ایران است اکنون توضیح شده و تأسیساتی که ملک مردم و دولت است باز هم در بار اکراف چهارم قسمت دوم قرارداد قید شده است و بابت همین تأسیسات دولت غرامت بهیچگونه و این خلاف انصاف و مغایر با حضرت حقوق ملت ایران است . در خصوص ضمیمه ۲ اصلاح لایحه مالیات بردرآمد معصوب کمیسیون قوانین دارائی - مجلس شورای ملی مورخ ۲۸ تیرماه ۱۳۲۸ باید عرض کنم اولاً آنچه در حال حاضر نظر فرمودی مالیات بر تصفیه مواد عمل است لایحه ای است که در کمیسیون دارائی مجلس شورای ملی در ۲۸ تیرماه ۱۳۲۸ رسیده و بطوریکه آقایان محترم استحضار دارند مصوبات کمیسیون اصولاً جنبه آزمایشی دارد در صورتیکه در جزء الف ماده ۲۸ قرارداد قید شده که (( ایران متعهد میشود که در مدت این قرارداد معین مالیات بر میزان مالیات بر در آمدی که طبق آن شرکتهای بازرگانی و شرکتهای عامل باید مالیات بر در آمد ایرانیان بپردازند از آنچه که در قوانین موجود در تاریخ دهم مرداد ۱۳۲۴ مطابق

چنین معطوف و شرایطی این قرارداد عرض شده است خدا لعنت کند مؤسسه حزب توده را که آزادی را در این ملک معصوم کرده اند (موردی دیگران را هم فرمائید تنها آنها نبودند و هنوز هم هستند) در شرایطی که کمیتهای یکنانه و دولت های پشتیبان آنها نیز خواهانندش مخالفین فرار داد در پیاید بهترین وسیله ای باین نیست و قصد اجتنبی که کمترین معالمت های مضره حزب توده وسایر کمونیست ها است زیرا مبارزه دولت با حزب توده مورد تأیید ملت ایران میباشد ولی در عین مبارزه با حزب توده نفتی میباید هم اجرا میگردد نفتی یکنانه اختناق مطبوعات است که اجرا میشود و در نتیجه طرف های فرار داد از این وضع برخوردار میشوند حاصل کلام آنکه معطوف از نظر کمیتهای نفت انگلیس و ایران و کمیتهای همدست او کاملاً معاصرو از نظر ملت ایران بینهایت نا مساعد است . سیاست و تدبیر حکم میکند که مجلس شورای ملی در شرایط نا مساعد از نظر ملت ایران زیر بار قرار داد قبول کرده است که میباید هم اجرا میگردد و این طرف قرارداد را در شرایط ایراست راضی باشد نه ناچار و مجبور مستاصل (دکتر پیرنیا پیشنهاد خودتان را بفرمائید) مجلس پیشنهاد من این است که دولت تکلیف خودی که این قرارداد را با مضمین استخوان بندی پنجاه سال عمل کند (تیمور تاش - یعنی این فرصت را هم از دست بدهد) رئیس آقایان ما که شاید بگذارد حرفش را بزند. آقایان وزیران هم با آقایان نماینده مجلس شرفشان صحبت نکنند کاشانی - ۲ - در قرارداد ۱۹۳۳ طرف دولت ایران کمیتهای نفت انگلیس و ایران بود ولی دولت انگلستان همیشه بدخللات بر وجه مینمود حمایت از منافع کمیتهای خودی دخالت در سیاست مملکت ایران رسیده بود و وقتی هم قانون ملی شدن صنایع نفت در سراسر کشور تصویب و از کمیتهای سابق خلعه بد کردید ابتدا دولت انگلستان بطرفیت دولت ایران بیادگاه لاهه شکایت کرد بعد هم دولت انگلستان بشورای امنیت مراجعه و علیه دولت ایران هم عرض حال داد و کشتی مودیش را هم بغلیغ فارس روانه کرد موارا تهدید نظامی نمود در صورتیکه دولت ایران با دولت انگلستان در مورد نفت ایران امضاء نکرده بود که طرف دعوا و شکایت قرار گیرد . استناد دولت انگلستان این بود که چون اکثریت سهام شرکت نفت انگلیس و ایران متعلق بدولت امپراطوری انگلستان است و بنا بر این بعنوان صاحب سهم حق دارد مستقیماً بدولت ایران طرفیت کند. بعقیده من پس از تجربه ای که ملت و دولت ایران از گذشته گرفته و معضلاً اقامه دعوائی که دولت انگلستان علیه دولت ایران در دادگاههای بین دولت و شکایتی که آن دولت در شورای امنیت ازدولت ایران کرد . بفرش تصویب اجباری قرارداد دولت باید اقدام کند تا دولت انگلستان بیرون کشی را مبنی بر اینست .

مذاکرات مجلس شورای ملی

(هیچگاه دولت انگلستان خود را قائم مقام شرکت نفت انگلیس و ایران نمیداند و هیچگاه در هیچ دعوا و اختلافی در خصوص قرارداد حاضر دولت انگلستان نمیتواند مدعی یا مدعی علیه قرار بگیرد) امضاء و قبل از امضای و امضاء قرارداد بین دولت ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران تسلیم مقامات دولتی نباید در قید اینصورت اجباری علنی یا ملت ایراست زیرا ملت ایران هیچگاه نمیخواهد طرف معامله و قرارداد نفت با دولت انگلستان باشد و صلاح خود دولت هم نیست مگر اینکه گفته شود صلاح دولت انگلستان مرجع است نظیر موارد چنین پروتکل های رادوت های امریکا فرانسه و هلند نیز در مورد کمیتهای امریکائی و فرانسوی و هلندی ضرورت دارد امضاء کنند. ۳ - چون تردید نیست که هیچ فردی از افراد ملت ایران مایل نیست کشور ایران میدان جنگ و در طرف متخاصم در آینده قرار گیرد و برای اینکه در آینده بپناه بدست دولتهائی که کمیتهای طرف قرارداد وابسته بان دولتها هستند برفتند و به عنوان حمایت از منافع کمیتهای و حفظ منافع نفتی خود در زمین ما نیروی نظامی بگمارد ایران باید نتکند شکستهای جنگی بساحل خوزستان برای حمایت از منافع و حقوق اتباع خود نگاه ندارند و بیامیهای جنگی وسایر وسائل معاصره را به عنوان دفاع از تأسیساتی که کمیتهای وابسته بآنها مورد بهره برداری قرار داده اند نگهداری نکنند و در نتیجه یک کشور مغاربه در خاک ما بوجود نیاورند پیشنهاد من توصیه میکنم در صورت امضاء اجباری قرار داد دولت قبل از امضای پروتکل مبنی بر اینکه دولتهای وابسته بکمیتهای طرف قرارداد تعهد می کنند هیچگاه بعنوان حمایت و دفاع از منافع کمیتهای وابسته با آنها نتکند شکستهای جنگی و نظامی یا تقاضای مداخله ننمایند)) (پیرنیا - حق ندارند) و این امر یک صلح جهانی است و کشوری که بیش از دوازده چهار صد کیلومتر مرز با بلوک شرق دارد با چنین دوراندیشی هائی نمیتواند بیسته معومن معطوف بماند (دکتر پیرنیا - طرح این مطلب اصلاح صلاح نیست) (رئیس عقیدتمشودان است مجلس مربوط است نمیتواند اظهار کند) بفرمائید جلسه خصوصی تشکیل شود تا آنجا بحث شود (دکتر پیرنیا - در جلسه خصوصی هم صلاح نیست) من از نمایندگان محترم استعفا دارم مناظر و حشنتان جنگ بین متخاصمین و سرشونت ملت زحمتکش و زنجیده های خونی کثرتی و اضطراب کودکان و خانواده های خود را در نظر بگیرید و دولت را موظف بر عیادت این نکات واضح چنین پروتکلهائی بنمایند و کاری نکنند که آه و اشک جوانمرده ها و فرزندان گشته ها و قربانیان جنگ بین دیگران دامنگیر مشوین گردد و وقتی ملت بر پناه یکسانی که پناه دفاع و وحشتی ملت بر پناه

کمیتهای یک طرف معاصره یا پناه نام ساختن و تعریب تأسیسات مورد استناد خصم بطرف دیگر معاصره داده اند تقریب فرستند. اگر نماینده کان اجازه ندان پیشنهاد شود فرمول پیشنهادی برای این قسمت و قسمت قبل دارم که تقدیم می کنم . این تذکراتی که عرض کردم برای این بود که نمایندگان محترم به سنگینی بار مسئولیت خود توجه فرمایند و تصور نشود واقعا بک قرارداد فروش با چند تاجر نفت را بحجلس عرضه کرده اند والا من با اساس قرارداد و با طرز تفکری که قرار داد بر آن گذاشته شده و بعلت مغایرت و تمارضی که با اساس خواسته های ملت ایران دارد و در جهت مغایر قانون ملی شدن صنایع نفت اقدام کرده اصولاً و اساساً مغالتم دنیای آزاد. همه شیفگان آزادی نجات ملت ما بخصوصاً ملل خاورمیانه امروز چشم بهجلس شورای ملی دوخته اند نمیخواهند ببینند مجلس دوره هیجدهم تا چه حد تباط و مقاومت در برابر توهمات بیگانگان دارد و چه راهی در پیش میکند که موجب سر بلندی و اقتدار ملت ایران باشد فراموش نشود من بیک نماینده اقلیت صریحاً اعلام میکنم هیچکس جز دشمنان ملت ایران و سازمانهای که در قوردمانده کی مادی ملت را برای پیشرفت مقاصد شوم خود میبندند با حل مسئله نفت مغایر نیست ولی بیحل جنگی وسایر وسائل معاصره را به عنوان دفاع از تأسیساتی که کمیتهای وابسته بآنها مورد بهره برداری قرار داده اند نگهداری نکنند و در نتیجه یک کشور مغاربه در خاک ما بوجود نیاورند پیشنهاد من توصیه میکنم در صورت امضاء اجباری قرار داد دولت قبل از امضای پروتکل مبنی بر اینکه دولتهای وابسته بکمیتهای طرف قرارداد تعهد می کنند هیچگاه بعنوان حمایت و دفاع از منافع کمیتهای وابسته با آنها نتکند شکستهای جنگی و نظامی یا تقاضای مداخله ننمایند)) (پیرنیا - حق ندارند) و این امر یک صلح جهانی است و کشوری که بیش از دوازده چهار صد کیلومتر مرز با بلوک شرق دارد با چنین دوراندیشی هائی نمیتواند بیسته معومن معطوف بماند (دکتر پیرنیا - طرح این مطلب اصلاح صلاح نیست) (رئیس عقیدتمشودان است مجلس مربوط است نمیتواند اظهار کند) بفرمائید جلسه خصوصی تشکیل شود تا آنجا بحث شود (دکتر پیرنیا - در جلسه خصوصی هم صلاح نیست) من از نمایندگان محترم استعفا دارم مناظر و حشنتان جنگ بین متخاصمین و سرشونت ملت زحمتکش و زنجیده های خونی کثرتی و اضطراب کودکان و خانواده های خود را در نظر بگیرید و دولت را موظف بر عیادت این نکات واضح چنین پروتکلهائی بنمایند و کاری نکنند که آه و اشک جوانمرده ها و فرزندان گشته ها و قربانیان جنگ بین دیگران دامنگیر مشوین گردد و وقتی ملت بر پناه یکسانی که پناه دفاع و وحشتی ملت بر پناه

مذاکرات مجلس شورای ملی

کمیتهای یک طرف معاصره یا پناه نام ساختن و تعریب تأسیسات مورد استناد خصم بطرف دیگر معاصره داده اند تقریب فرستند. اگر نماینده کان اجازه ندان پیشنهاد شود فرمول پیشنهادی برای این قسمت و قسمت قبل دارم که تقدیم می کنم . این تذکراتی که عرض کردم برای این بود که نمایندگان محترم به سنگینی بار مسئولیت خود توجه فرمایند و تصور نشود واقعا بک قرارداد فروش با چند تاجر نفت را بحجلس عرضه کرده اند والا من با اساس قرارداد و با طرز تفکری که قرار داد بر آن گذاشته شده و بعلت مغایرت و تمارضی که با اساس خواسته های ملت ایران دارد و در جهت مغایر قانون ملی شدن صنایع نفت اقدام کرده اصولاً و اساساً مغالتم دنیای آزاد. همه شیفگان آزادی نجات ملت ما بخصوصاً ملل خاورمیانه امروز چشم بهجلس شورای ملی دوخته اند نمیخواهند ببینند مجلس دوره هیجدهم تا چه حد تباط و مقاومت در برابر توهمات بیگانگان دارد و چه راهی در پیش میکند که موجب سر بلندی و اقتدار ملت ایران باشد فراموش نشود من بیک نماینده اقلیت صریحاً اعلام میکنم هیچکس جز دشمنان ملت ایران و سازمانهای که در قوردمانده کی مادی ملت را برای پیشرفت مقاصد شوم خود میبندند با حل مسئله نفت مغایر نیست ولی بیحل جنگی وسایر وسائل معاصره را به عنوان دفاع از تأسیساتی که کمیتهای وابسته بآنها مورد بهره برداری قرار داده اند نگهداری نکنند و در نتیجه یک کشور مغاربه در خاک ما بوجود نیاورند پیشنهاد من توصیه میکنم در صورت امضاء اجباری قرار داد دولت قبل از امضای پروتکل مبنی بر اینکه دولتهای وابسته بکمیتهای طرف قرارداد تعهد می کنند هیچگاه بعنوان حمایت و دفاع از منافع کمیتهای وابسته با آنها نتکند شکستهای جنگی و نظامی یا تقاضای مداخله ننمایند)) (پیرنیا - حق ندارند) و این امر یک صلح جهانی است و کشوری که بیش از دوازده چهار صد کیلومتر مرز با بلوک شرق دارد با چنین دوراندیشی هائی نمیتواند بیسته معومن معطوف بماند (دکتر پیرنیا - طرح این مطلب اصلاح صلاح نیست) (رئیس عقیدتمشودان است مجلس مربوط است نمیتواند اظهار کند) بفرمائید جلسه خصوصی تشکیل شود تا آنجا بحث شود (دکتر پیرنیا - در جلسه خصوصی هم صلاح نیست) من از نمایندگان محترم استعفا دارم مناظر و حشنتان جنگ بین متخاصمین و سرشونت ملت زحمتکش و زنجیده های خونی کثرتی و اضطراب کودکان و خانواده های خود را در نظر بگیرید و دولت را موظف بر عیادت این نکات واضح چنین پروتکلهائی بنمایند و کاری نکنند که آه و اشک جوانمرده ها و فرزندان گشته ها و قربانیان جنگ بین دیگران دامنگیر مشوین گردد و وقتی ملت بر پناه یکسانی که پناه دفاع و وحشتی ملت بر پناه

کمیتهای یک طرف معاصره یا پناه نام ساختن و تعریب تأسیسات مورد استناد خصم بطرف دیگر معاصره داده اند تقریب فرستند. اگر نماینده کان اجازه ندان پیشنهاد شود فرمول پیشنهادی برای این قسمت و قسمت قبل دارم که تقدیم می کنم . این تذکراتی که عرض کردم برای این بود که نمایندگان محترم به سنگینی بار مسئولیت خود توجه فرمایند و تصور نشود واقعا بک قرارداد فروش با چند تاجر نفت را بحجلس عرضه کرده اند والا من با اساس قرارداد و با طرز تفکری که قرار داد بر آن گذاشته شده و بعلت مغایرت و تمارضی که با اساس خواسته های ملت ایران دارد و در جهت مغایر قانون ملی شدن صنایع نفت اقدام کرده اصولاً و اساساً مغالتم دنیای آزاد. همه شیفگان آزادی نجات ملت ما بخصوصاً ملل خاورمیانه امروز چشم بهجلس شورای ملی دوخته اند نمیخواهند ببینند مجلس دوره هیجدهم تا چه حد تباط و مقاومت در برابر توهمات بیگانگان دارد و چه راهی در پیش میکند که موجب سر بلندی و اقتدار ملت ایران باشد فراموش نشود من بیک نماینده اقلیت صریحاً اعلام میکنم هیچکس جز دشمنان ملت ایران و سازمانهای که در قوردمانده کی مادی ملت را برای پیشرفت مقاصد شوم خود میبندند با حل مسئله نفت مغایر نیست ولی بیحل جنگی وسایر وسائل معاصره را به عنوان دفاع از تأسیساتی که کمیتهای وابسته بآنها مورد بهره برداری قرار داده اند نگهداری نکنند و در نتیجه یک کشور مغاربه در خاک ما بوجود نیاورند پیشنهاد من توصیه میکنم در صورت امضاء اجباری قرار داد دولت قبل از امضای پروتکل مبنی بر اینکه دولتهای وابسته بکمیتهای طرف قرارداد تعهد می کنند هیچگاه بعنوان حمایت و دفاع از منافع کمیتهای وابسته با آنها نتکند شکستهای جنگی و نظامی یا تقاضای مداخله ننمایند)) (پیرنیا - حق ندارند) و این امر یک صلح جهانی است و کشوری که بیش از دوازده چهار صد کیلومتر مرز با بلوک شرق دارد با چنین دوراندیشی هائی نمیتواند بیسته معومن معطوف بماند (دکتر پیرنیا - طرح این مطلب اصلاح صلاح نیست) (رئیس عقیدتمشودان است مجلس مربوط است نمیتواند اظهار کند) بفرمائید جلسه خصوصی تشکیل شود تا آنجا بحث شود (دکتر پیرنیا - در جلسه خصوصی هم صلاح نیست) من از نمایندگان محترم استعفا دارم مناظر و حشنتان جنگ بین متخاصمین و سرشونت ملت زحمتکش و زنجیده های خونی کثرتی و اضطراب کودکان و خانواده های خود را در نظر بگیرید و دولت را موظف بر عیادت این نکات واضح چنین پروتکلهائی بنمایند و کاری نکنند که آه و اشک جوانمرده ها و فرزندان گشته ها و قربانیان جنگ بین دیگران دامنگیر مشوین گردد و وقتی ملت بر پناه یکسانی که پناه دفاع و وحشتی ملت بر پناه

